

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نقد و بررسی جریان مدعی یمانیت

گروه نویسندگان
کارگروه نقد مدعیان مهدویت

فهرست

پیشگفتار ۷

گفتار اول: معرفی جریان احمد بصری / ۱۱

ساختار تشکیلاتی ۱۷

گروه علمی ۱۷

گروه دینی ۱۹

گروه امنیتی ۱۹

گروه اطلاع رسانی ۱۹

گروه مالی ۱۹

گروه نظامی ۲۰

اختلاف اتباع احمد بصری ۲۰

جریان شناسی ۲۲

چالش جریان احمد بصری در اسلام ۲۳

گفتار دوم: ادعای احمد بصری / ۲۷

گفتار سوم: بررسی جایگاه وصیت در نصب امام علی / ۳۹

وصیت مکتوب ۴۱

وصیت آشکار ۴۱

نقد و بررسی ۴۴

ضعف سند ۴۵

تعارض با مبانی شیعه ۴۶

استناد مدعیان دروغین دیگر به گزارش شیخ طوسی ۴۷

گفتار چهارم: تناقضات احمد بصری / ۵۱

- ۵۳..... احمد بصری و علم حجت خدا
- ۵۵..... احمد بصری و انحرافات حوزه علمیه
- ۵۷..... احمد بصری و حضرت یونس
- ۵۸..... احمد بصری و تعداد ائمه علیهم السلام

گفتار پنجم: مطاعن و اهانت‌های احمد بصری به انبیاء و ائمه علیهم السلام / ۵۹

- ۶۱..... پیامبر و ائمه علیهم السلام بی سواد بودند!
- ۶۲..... حضرت ابراهیم علیه السلام مشرک بود!
- ۶۴..... امام حسین علیه السلام مشرک بود و منیت داشت!
- ۶۵..... امام زمان علیه السلام مشرک بود و منیت داشت!

گفتار ششم: چند سؤال بی پاسخ از احمد بصری / ۶۷

۱. آیا احمد بصری از نسل حضرت مهدی علیه السلام است یا به دروغ چنین ادعایی کرده است؟ ۶۹
۲. آیا نسب احمد بصری مقطوع و مجهول است؟ ۷۰
۳. آیا ملاقات احمد اسماعیل با حضرت مهدی علیه السلام واقعیت دارد یا افسانه‌ای بیش نیست؟ ۷۱
۴. آیا هر کس که شجره‌نامه داشته باشد، دروغ‌گواست؟ ۷۲
۵. آیا حضرت یونس علیه السلام پیامبر - نستحیر بالله - اهل جهنم است؟ ۷۴
۶. آیا رسول اکرم صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران نیست؟ ۷۵
۷. احمد بصری چگونه برای ائمه علیهم السلام و برای خودش ادعای نبوت و رسالت می‌کند؟ ۷۶
- ۷۸ معرفی کتاب‌های نقد جریان احمد بصری
- ۷۹ معرفی سایت‌ها و کانال‌های تلگرامی نقد جریان

پیشگفتار

از دیرباز، باورهای آخرازمانی مورد سوءاستفاده افراد منحرف بوده و برای رسیدن به اهداف و اغراض مسموم خود، احساسات دینی مردم را بازیچه خود قرار داده‌اند. غالباً این افراد، در مواجهه با شرایطی همچون سختی و فقر مردم، جنگ و خونریزی، ظلم و برقرار نشدن عدالت اجتماعی، طولانی شدن غیبت امام عصر(عج) و سایر مشکلاتی که از دید مردم ناگوار است، ظهور و بروز می‌کنند تا از فرصت ایجاد شده، نهایت بهره‌برداری را داشته باشند. در گونه‌شناسی ادعاهای مدعیان دروغین مهدویت، ادعاهای گوناگونی همچون ادعای امامت و مهدویت، ادعای سفارت، ادعای نیابت خاص، ادعای خراسانی بودن و ادعای یمانیّت به چشم می‌خورد که هر کدام در برهه‌ای از تاریخ ظهور و بروز کرده، برای اثبات ادعاهای واهی خود به آیات و روایات متعددی استناد می‌کنند و گروهی از مسلمانان را با این سخنان فریب می‌دهند.

با بررسی توقیعات مبارک امام دوازدهم(عج)، میزان انزجار ایشان از تبار این مدعیان به دست می‌آید. یکی از افرادی که در زمان غیبت صغری مدعی ارتباط و نیابت از جانب حضرت مهدی(عج) بوده و درباره وی توقیعی از جانب حضرت صادر شد، محمد بن علی بن ابی العزّاقِر، مشهور به شَلَمغانی است. شَلَمغانی از یاران امام حسن عسکری(عج) و از محدثان شیعی در بغداد بود که مدتی در غیاب حسین بن روح، سومین نایب خاص امام مهدی(عج)، به بعضی

از امور شیعیان رسیدگی می‌کرد. شلمغانی پس از علنی کردن ادعای نیابت امام زمان (عج)، مورد لعن امام مهدی (عج) قرار گرفت و بعد از مدتی به دستور حاکم عباسی به دار آویخته شد.^۱ امام (عج) در توقیع شریفش به حسین بن روح در رابطه با دیدگاه خود نسبت به ادعاهای شلمغانی فرمود:

محمد بن علی، معروف به شلمغانی، از کسانی است که خداوند کیفر او را تعجیل کند و مهلتی به او عطا نفرماید. او از اسلام منحرف شده و خود را از آن جدا ساخته است. وی از دین خدا مرتد شده و ادعاهایی می‌کند که دلالت بر انکار ذات خداوند متعال دارد. دروغ‌پردازی و دروغ‌گویی می‌کند. باطل‌ها را بر زبان می‌آورد و متخلف بزرگی است. آنان که به خدا نسبتی باطل می‌دهند در خطای محض بوده و مسلماً در خسران‌اند. در حقیقت برائت خود را در محضر خداوند متعال و پیامبر و خاندان گرامی‌اش (ع) از هرگونه رابطه‌ای با شلمغانی اعلام می‌داریم. به او (شلمغانی) لعن می‌فرستیم و لعنت دائم خداوند بر او باد، در آشکار و نهان، در هر زمان و مکان و لعنت خداوندی بر موافقان و پیروان او باد و نیز بر آنان که با شنیدن این اعلام پیوند خود را با او ادامه دهند. بنابراین به اطلاع آنان (وکلاهی امامیه) برسان که خود را از او حفاظت کرده و احتیاط می‌کنیم، آن‌چنان که در برابر پیشینیان او همچون، شریعی، نمیری، هلالی، بلالی و دیگران چنین کردیم و دیدگاه مشابهی داشتیم. راضی به سنن الهی هستیم. خداوند ما را در تمام امور کفایت می‌کند و بهترین نگهبان است.^۲

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۱۰.

در پایان توقیع مبارک حضرت چند تن از مدعیان دروغین در باب مهدویت معرفی شده‌اند که نشان می‌دهد مسئله مدعیان دروغین، بحثی تازه نیست و ممکن است تا زمان ظهور ادامه داشته باشد. با بررسی تبار انحراف در باب مدعیان دروغین مهدویت، الگوهای متفاوتی از ادعاها به دست می‌آید. هر کدام از این مدعیان در پس نقاب و تصویری زیبا و خیرخواهانه، چهره واقعی خود را پنهان کرده‌اند و با استفاده از این روش، عده زیادی از مؤمنان را فریب داده، از دین اسلام خارج کرده‌اند.

امروزه نیز از آسیب چنین ادعاهای ناصوابی در امان نبوده، شاهد بروز افرادی همچون «احمد بصری» هستیم که مردم را با ادعاهای دروغین خود فریب داده، به وادی هلاکت می‌کشانند. احمد اسماعیل، از جمله مدعیان دروغین در عصر حاضر است که با نشر ادعاهای دروغین، در صدد ایجاد انحراف در عرصه مهدویت می‌باشد. جزوه حاضر، با هدف آشنایی مبلغین گرامی با جریان مذکور تدوین شده و به جهت رعایت اختصار از طرح بسیاری از ادعاها و پاسخ‌ها خودداری می‌کنیم.

گفتار اول

معرفی جریان احمد بصری

احمد اسماعیل صالح السملی البصری ۱۹۶۹ م^۱ معروف به «احمد الحسن الیمانی»،^۲ یکی از جریان‌های نوظهور در عرصه مهدویت است.^۳ وی خود را پنجمین فرزند با واسطه امام دوازدهم علیه السلام می‌داند^۴ و ادعاهای بی‌شماری دارد که ادعای یمانی^۵ بودن، سفارت و وصایت حضرت حجت علیه السلام اساس ادعای اوست.

احمد بصری در سال ۱۹۹۲ م از دانشکده مهندسی در رشته شهرسازی فارغ‌التحصیل شد و تا سال ۱۹۹۹ م هیچ‌سندی از زندگی و فعالیت‌های وی در کشور عراق در دست نیست. در سال ۱۹۹۹ به سمت نجف اشرف رفت و مدت کوتاهی در حوزه علمیه شهید محمد محمد صادق صدر (ره) حاضر شد. او در همان سال با فردی به نام «حیدر مُشتت چاسب القحطانی آل مُنشد معروف به ابوحسن»^۶ در حوزه علمیه آشنا شد. یک سال پس از آن، ادعای خود را با حیدر

-
۱. احمد بن اسماعیل بن صالح بن حسین بن سلمان بن داوود بن هنبوش، *أدعیاء المهدویة*، ص ۱۲۱.
 ۲. با توجه به اینکه عشیره ابوسولیم در سه منطقه ناصریه و بصره و کربلا مستقر هستند، ساکنین این عشیره در ناصریه و بصره را با عنوان «آل حسن» و ساکنین کربلا را «بنی حسن» نامیده‌اند. از این رهگذر، احمد نیز که از عشیره مستقر در بصره است با عنوان «الحسن» شناخته می‌شود. قابل توجه اینکه این عشیره از سادات نیستند. ناصر مهدی محمد البصری، *الطامة الكبرى*، ص ۱۸.
 ۳. نام پدر احمد بصری اسماعیل و نام مادرش بئینه نجم است که از طایفه هنبوش و از قبیله ابوسولیم ناصریه هستند.
 ۴. احمد بصری نسب خود را این‌گونه تشریح کرده است: أحمد ابن إسماعیل ابن صالح ابن حسین ابن سلمان ابن الإمام محمد بن الحسن العسكري علیه السلام.
 ۵. بر اساس برخی روایات، فردی با لقب «یمانی» در هنگامه ظهور امام دوازدهم علیه السلام، خروج خواهد کرد.
 ۶. حیدر فرزند مُشتت از آل مُنشد متولد شهر کاظمیه بغداد در سال ۱۹۷۶ است که دوران زندگی خود را

مشتت در میان گذاشت و او را در سمت یمانیّت و وزارت امام دوازدهم علیه السلام قرار داد. پس از آن با زیر سؤال بردن نیابت عامه فقها و ادعای فساد مالی در حوزه های علمیه و ناکارآمدی دروس، هر دو از ادامه تحصیل در حوزه علمیه انصراف دادند.^۱ احمد بصری در سایت رسمی خود درباره ماجرای تحصیل علوم حوزوی خود می گوید:

من به نجف اشرف رفته و با هدف تحصیل علوم دینیّه در آنجا سکونت کردم، ولی بعد از آنکه وارد حوزه شدم و از مجموعه دراسات این حوزه مطلع شدم، دیدم که در حوزه يك سری خلل بسیار بزرگ دیده می شود (لااقل در نظر من) و صرفاً لغت عرب و اصول فقه و کلام و منطق و فلسفه و عقاید و فقه و احکام شرعیّه را مطالعه می کنند و هیچ گاه قرآن کریم یا سنت شریف نبوی یا احادیث محمد و آل محمد علیهم السلام تدریس نمی شود و آنها درس اخلاق الهی که بر هر مؤمنی تخلّق به آن اخلاق واجب است را کنار گذاشته اند. پس به این دلیل تصمیم گرفتم از حوزه دوری کنم و در خانه ام گوشه عزلت گرفته و علوم حوزوی را بدون هیچ کمک کاری تنها خواندم و فقط صرفاً با بعضی از روحانیون حوزه نجف در ارتباط باشم... ولی آنچه که باعث شد تا من به حوزه علمیه نجف اشرف راه یابم این بود که من در رؤیا امام زمان علیه السلام را دیدم که به من دستور داد تا به حوزه علمیه نجف بروم و وی از آنچه برایم اتفاق خواهد افتاد خبر داد و هر آنچه که وی گفته بود همان شد.^۲

در شهر العماره عراق گذرانده است. وی بعدها نام خود را به ابو عبد الله الحسین القحطانی تغییر داد و احمد بصری را دجال بصره نامید.

۱. ذوالفقار، علی ذوالفقار، *الحركات المهدویة*، ص ۱۵۲.

احمد بصری و حیدر مشنت پس از انصراف از حوزه علمیه، برای نشر عقاید و تجهیز قوای نظامی خود، خانه‌ای را به عنوان مکتب امام احمد الحسن و یمانی موعود در محله صریفه در منطقه سهله در نظر گرفتند و در آنجا ساکن شدند.^۱ حیدر مشنت^۲ اولین مسافرت تبلیغی‌اش را از محل زندگی خود (العمارة در جنوب عراق) آغاز و مردم را به سوی سفیر امام دوازدهم علیه السلام و یمانیت خود دعوت کرد. وی در سال ۲۰۰۰ م به همراه شخصی به نام عیسی المزرعاوی، معروف به سید صالح (الیاس)، وارد ایران شد. حیدر مشنت به سمت شهر مقدس قم رفت و پس از دیدار با فردی به نام حسن راضی الکعبی، برنامه‌های تبلیغی خود را آغاز کرد. او در ابتدا به دیدار آیت الله سید صادق روحانی و سپس شیخ علی کورانی^۳ رفت و علاوه بر آن برای ۲۴ تن از مراجع و فضلاء حوزه علمیه قم نامه دعوت فرستاد. در نهایت در ۲۰۰۲ م دستگیر و پس از تحمل شش ماه زندان، به عراق بازگشت. احمد بصری در همان سال طی بیانیه‌ای با تصریح به اینکه یمانی فرد دیگری است، اعلام کرد:

فاعلموا أيها الناس أنه لايماني إلا كان لي كيميبي داعي لأمری هادی
لصراط الله الذی أسیر علیه بإرشاد أبی الإمام المهدي محمد بن
الحسن علیه السلام...؛^۴

۱. ع. س، دراسة تحليلية حول الحركات المهدوية، ص ۷.

۲. با توجه به وجود نیروهای صرخی در کربلا و نجف و مخالفت شدیدشان با انصار احمد بصری، حیدر مشنت به بغداد رفته و با همراهی ضیاء عبدالزهره الکرعاوی اقدام به تشکیل مؤسسه القائم و انتشار نشریه «القائم» نمود تا بدین وسیله بتواند احمد بصری را تبلیغ کند. احمد بصری نیز وارد بصره شده، با نشریه «الصوت الحق الاسبوعية التي تروج للفكر المهدوي» اقدام به گسترش دعوت انحرافی خود کرد (ذوالفقار، علی ذوالفقار، الحركات المهدوية، ص ۱۵۳).

۳. برای اطلاع از ماجرای دیدار حیدر مشنت با شیخ علی کورانی، به کتاب دجال بصره مراجعه کنید.

۴. فوج الله، احمد، ادعیاء المهدوية، ص ۱۲۱.

ای مردم بدانید! هیچ یمانی ای وجود ندارد، مگر اینکه در سمت راست من قرار گرفته و فراخوان کننده به امر ما است. امری که هدایت کننده به راه خداست و یمانی با ارشاد پدرم مهدی علیه السلام حرکت می کند.

بر اساس شهادت شاهدان عینی، تنها فردی که در مکتب احمد بصری با عنوان «یمانی» شناخته می شد، کسی نبود جز شیخ حیدر مشنت که در همان ایام در شهرهای مختلف حاضر می شد و خود را یمانی و احمد بصری را فرزند و وصی امام مهدی علیه السلام معرفی می کرد.^۱

در سال ۲۰۰۵ م با بروز اختلافات عدیده ای بین احمد بصری و حیدر مشنت، احمد بصری در تناقضی آشکار، خود را به صورت توأمان وصی امام علیه السلام و یمانی معرفی کرد:

وَأَمْرِي أَبِينِ مِنَ الشَّمْسِ فِي رَابِعَةِ النَّهَارِ وَإِنِّي أَوَّلُ الْمُهْدِيِّينَ وَالْيَمَانِي الْمَوْعُودُ؛

امر من روشن تر از خورشید در وسط روز است و من اولین مهدی و همان یمانی موعود هستم.^۲

۱. گفتنی است با توجه به اینکه نسب حیدر مشنت به قحطان می رسد و نام «القحطانی» را به دنبال داشت، احمد بصری از این فرصت استفاده کرد و او را یمانی نامید تا بتواند به اهداف خود دست یابد. برخی از روایات، یمانی را با نسب قحطانی معرفی کرده اند؛ «لا تقوم الساعة حتی یخرج رجل من قحطان یسوقُ الناس بعصاه؛ زمان ظهور فرا نمی رسد مگر آنکه مردی از قحطان خروج کند و مردم را با عصا پیش براند» (النهاية فی غریب الحديث والأثر، ج ۲، ص ۴۲۳) «قحطانی اول کسی است که با سفیانی کارزار می کند و شکست می خورد و به یمن باز می گردد» (مختصر اثبات الرجعة، ح ۱۶).

۲. فرج الله، احمد، أدعیاء المهدویة، ص ۱۲۱.

ساختار تشکیلاتی

احمد بصری پس از کشته شدن حیدر مشقت در شارع حيفا در بغداد، و با فرصت ایجاد شده در عراق به علت هرج و مرج و نا آرامی ها، فرصت را برای تبلیغ گسترده ادعاهای خود مناسب دید و تشکیلات وسیعی را در شهرهای نجف، کربلا، ناصریه و بصره به راه انداخت. وی با تشکیل گروه های مختلف، فرقه خود را ساماندهی کرد و جان دوباره ای به این حرکت انحرافی داد. ساختار تشکیلاتی این جریان به شرح زیر است:

گروه علمی

مأموریت اصلی این گروه، تألیف کتب و تنظیم آثار احمد بصری است. تا کنون ۲۴ عنوان کتاب منسوب به احمد بصری و بیش از ۱۸۰ عنوان کتاب از سوی اتباع احمد بصری^۱ به رشته تحریر در آمده است. کتب منتسب به احمد الحسن عبارت اند از:

۱. الأجوبة الفقهية (۴ جلد)

۲. الجواب المنیر عبر الأثیر (۶ جلد)

۳. حاکمیه الله لا حاکمیه الناس

۴. الحوار الثالث عشر

۵. العجل

۱. برخی از کتاب های نوشته شده توسط اتباع احمد بصری عبارت اند از: المهدی ولی الله، دحض تقولات المعاندین، حجه الوصی و اوهام المدعی، الافحام فی رؤیا أم الامام، انتصاراً للوصیه، قانون معرفه الحجه، المعترضون علی خلفاء الله، دابه الارض طالع الشمس، الوصیه والوصی احمد بصری، البلاغ المبین، بحث فی العصمه، الیمانی الموعود حجة الله و..

٦. بيان الحق والسداد من الأعداد
٧. الجهاد باب الجنة
٨. شرائع الإسلام (٢ جلد)
٩. وصي ورسول الإمام المهدي ينتج في التوراة والإنجيل والقرآن (مع التعليق)
١٠. إضاءات حول دعوات المرسلين (٥ جلد)
١١. المتشابهات (٤ جلد)
١٢. نصيحة الى طلبة الحوزة العلمية والى كل من يطلب الحق
١٣. النبوة الخاتمة نبوة محمد ﷺ
١٤. الرجعة ثالث أيام الله الكبرى
١٥. رحلة موسى الى مجمع البحرين
١٦. رسالة الى فقه الخمس وما يلحق به
١٧. رسالة الهداية
١٨. تفسير آية من سورة يونس
١٩. شىء من سورة الفاتحة
٢٠. التيه أو الطريق الى الله
٢١. كتاب التوحيد في تفسير سورة التوحيد
٢٢. الوصية المقدسة الكتاب العاصم من الضلال
٢٣. عقائد الاسلام
٢٤. وهم الالحاد.

گروه دینی

وظایف این گروه عبارت است از: تعیین ائمه جمعه و جماعات و خادمین در شهرها و استان‌ها، تدوین بانک اطلاعات مبلغین حوزوی احمد بصری، اداره حوزه‌های علمیه احمد بصری، تعیین قاضی برای حل مشکلات و دعاوی انصار احمد بصری، تبلیغ و نشر دعوت انحرافی احمد بصری و تعیین پاسخگویان و مناظره کنندگان رسمی.

گروه امنیتی

مأموریت این گروه تأمین امنیت جانی و مالی اتباع احمد بصری در شهرها و همچنین تأمین امنیت مراسم و موکب‌های مناسبتی احمد بصری است.

گروه اطلاع‌رسانی

مسئولیت این گروه انتشار بیانیه‌ها و سخنرانی‌های احمد بصری و مدیریت سایت و فضای مجازی است.

گروه مالی

این گروه علاوه بر دریافت وجوهات شرعی و نذورات و هدایا، مسئولیت هزینه این مبالغ را برعهده دارد. این مبالغ در سه بخش مصرف می‌شود:

۱. تأمین هزینه زندگی مبلغین احمد بصری.

۲. چاپ و نشر کتب اتباع و همچنین تجهیز کتابخانه‌ها و حسینیه‌های اتباع احمد بصری.

۳. خرید تسلیحات و مهمات جنگی و آموزش‌های نظامی اتباع.

گروه نظامی

این گروه با هدف جذب و آموزش نظامی اتباع، خرید تسلیحات و فرماندهی عملیات نظامی تشکیل شده است. این گروه با عنوان «سرایا القائم» فعالیت می‌کند.^۱

اختلاف اتباع احمد بصری

در پی تبلیغ و نشر دعوت انحرافی احمد بصری، عده‌ای با وی بیعت کرده، خود را «انصار امام احمد الحسن» نامیدند. با شکست نیروهای متحده احمد بصری و ضیاء الکرعاوی در پادگان الزرکه،^۲ جریان احمد بصری دچار انشقاق و به چهار گروه «انصار مکتب»، «احلاس»، «رایات سود» و «جیش الغضب» تقسیم شد. در باور انصار مکتب، بر اساس روایات موجود، فردی به نام احمد که فرزند و فرستاده امام دوازدهم علیه السلام است وجود دارد و با هدف آماده‌سازی قیام حضرت مهدی علیه السلام ظهور کرده است و در حال حاضر از طریق فیس بوک و پالتاک با مردم ارتباط دارد. در مقابل، اعضای گروه احلاس و رایات سود و جیش الغضب، فردی که کاتب فیس بوک است را قبول نداشته، او را فردی غیر از احمد بصری می‌دانند. لذا بسیاری از کتب نوشته شده در چهار سال اخیر را

۱. حسنی، م، مدعی المهدویة، ص ۶.

۲. ضیاء عبدالزهره الکرعاوی و احمد بصری با تأسیس پادگانی در منطقه الزرکه (بین نجف و کربلا) اقدام مسلحانه‌ای را ضد علمای شیعه آغاز کردند تا بتوانند بیوت مراجع تقلید را ویران و همه آنان را قتل عام کنند. البته این اقدام قبل از آغاز با مداخله قوای امنیتی با شکست روبه‌رو شد. در این درگیری، ۳۴۳ نفر کشته و ۱۸۰۹ نفر دستگیر شدند که دویست نفر از کشته‌شدگان از انصار احمد اسماعیل بصری بودند. قابل توجه اینکه کرعاوی در این درگیری کشته و احمد اسماعیل نیز پس از آن ناپدید شد (محاضر التحقيق الخاصة بأحداث الزرکه، المعلومات الوطنية، ص ۶۴؛ معد فیاض بغداد، الشرق الاوسط، جمعه ۱۴ محرم ۱۴۲۸).

قبول نداشته و هر کدام با حق دانستن خود، از گروه‌های دیگر برائت می‌جویند. به طور کلی باورهای انصار پرچم به شرح زیر است که اساس اختلافات آن را با انصار مکتب رقم می‌زند:

۱. بر اساس مجموعه‌ای از روایات، احمد الحسن البصری از سال ۲۰۰۸ و پس از درگیری پادگان الزرکه، در غیبت به سر می‌برد.

۲. احمد الحسن در روز مرگ ملک عبدالله پادشاه عربستان، دوازده نفر از اتباع رایات سود را انتخاب کرده و به دیدار با امام مهدی علیه السلام برده است که در آن دیدار امام مهدی علیه السلام از خیانت مکتب نجف، ابراز ناراحتی کرده است.

۳. احمد بصری در کتب اولیه خود، به خیانت و ارتداد بعضی از انصار (همچون شیوخ مکتب نجف)، هشدار داده و آنها به خاطر جمع‌آوری اموال به کذب گویی مرتکب شده‌اند.

۴. کتبی که بعد از غیبت احمد الحسن البصری به اسم او منتشر شده است، اشکالات علمی فراوانی دارد و هیچ‌کدام از آنها نوشته وی نیست.

۵. مکتب نجف قوانین و کلمات احمد بصری و قانون حاکمیت الله را نقض کرده، چرا که از دولت و حکومت عراق درخواست نمایندگی در مجلس استان بصره عراق کرده است. این کار علاوه بر تأیید حکومت عراق، به منزله خیانت و نقض قانون حاکمیت الله است.

۶. عبد الله هاشم (مستند ساز)^۱ پس از احمد بصری، همان مهدی دوم در

۱. عبد الله هاشم مسئولیت‌های مهمی در بخش تبلیغاتی و مستندسازی و راه‌اندازی شبکه‌های تبلیغی در فضای مجازی برای احمد بصری داشته است. وی با ارائه اسناد و شواهد متعددی اثبات می‌کند که مطالب صفحه فیسبوکی که به نام احمد الحسن است، توسط واثق الحسینی و توفیق مغربی و مدیران مکتب نجف نگاشته می‌شود، نه احمد بصری.

حدیث وصیت شیخ طوسی است.^۱

علی الغریفی و عبدالله هاشم از جمله کسانی هستند که پیرو پرچم بوده، با انصار مکتب مخالفت و درگیری آشکاری دارند. آن سوی دعوا نیز افرادی همچون ناظم العقیلی، سید واثق حسینی، عبدالرحیم ابومعاذ، علاء سالم و حسن حمامی پیروان مکتب‌اند و مدیریت علمی و نظامی آن را برعهده دارند.

جریان‌شناسی

جریان احمد بصری همانند بسیاری از فرق انحرافی، بیش از آنکه یک فرقه دینی باشد، یک جنبش سیاسی است که با هدف ایجاد اختلاف و فتنه و انحراف در کشورهای اسلامی (شیعی) تشکیل شد. این جنبش در صدد آن است تا با تخریب جایگاه علماء و ناکارآمد جلوه دادن علوم دینی حوزه‌های علمیه و تبدیل نیابت عامه فقیه به نیابت خاصه خود، مردم را از فقهاء جدا کرده، به گمان باطل خود، زمینه را برای فروپاشی حوزه‌های علمیه فراهم کند؛ برای نمونه احمد بصری در تخریب جایگاه مراجع تقلید و علمای شیعه آورده است: آنها علمای بی‌عملی هستند که در انتظار حضرت امام مهدی علیه السلام شکست خوردند. آنها به تکذیب امام مهدی علیه السلام و وصی و فرستاده‌اش بسنده نمی‌کنند، بلکه مردم را از جهاد در پیشگاه او و از مبارزه با کفار که دولت‌های اسلامی را به غارت بردند منع می‌کنند!^۲

همچنین در بیانیه اول شوال اعلام کرد:

۱. فیلم‌های منتشرشده توسط انصار پرچم (رایات سود) در نزد نویسنده موجود است که در تمامی آنها به موارد فوق اشاره صریح کرده‌اند.

۲. بصری، احمد، *المتشابهات*، ج ۱، ص ۶۸.

بر هر مسلمانی ترک تقلید در فقه و عمل به احتیاط واجب است و هر که تقلید کند با امام مهدی علیه السلام مخالفت کرده است.^۱

چالش جریان احمد بصری در اسلام

جریان احمد بصری یکی از جریان‌های خطرناک درون شیعی است که در دهه اخیر ظهور و بروز پیدا کرده است. این جریان نقشه راه و برنامه‌ای از پیش تعیین شده دارد که آن را از دعوت‌ها و تفکرات انحرافی پیشین متمایز ساخته، در ردیف جریان‌هایی همچون فرقه ضاله بهائیت و تصوف قرار داده است. در راستای اثبات این سخن به دو نکته اساسی اشاره می‌کنیم.

الف) هدف قرار دادن مسائل ضروری و مسلم در مذهب تشیع: بیشتر دعوت‌های انحرافی پیشین، دعوت‌هایی بودند که مسائلی درباره صاحبان خود ارائه می‌دادند تا به واسطه آن مقام آنان را بزرگ جلوه داده، به اهداف و اغراض مادی خود دست یابند. در حالی که دعوت انحرافی احمد بصری مسلمات و ضروریات مذهب حقه تشیع را هدف قرار داده و در صدد تغییر و انحراف آنها است. در این راستا می‌توان به ایجاد انحراف در عدد ائمه معصومین، تغییر مفهوم و دایره عصمت، مصادره مهدویت و قائمیت و ادعای شارعیت اشاره کرد.

ب) تکفیر شیعیانی که با دعوت احمد بصری مخالفت دارند: یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی تشیع، برخورداری جریان انحرافی احمد بصری از بینش تکفیری درباره تمامی مسلمانانی است که این دعوت انحرافی را نپذیرفته و یا با آن مخالفت کرده‌اند.^۲ احمد بصری بر اساس القائنات تکفیری و همچنین بر

۱. فرج الله، احمد، ادعیاء المهدویة، ص ۱۸۶.

۲. احمد بصری اعلام کرد: «و أعلن باسم الامام محمد بن الحسن المهدی علیه السلام أن كل من لم يلتحق بهذه الدعوة و يعلن البیعة لوصی الامام المهدی علیه السلام بعد ۱۳ رجب ۱۴۲۵ فهو خارج عن ولاية علی بن

اساس اعلام قائمیت خود، بینش خون آلود و انتقام گیرنده‌ای را به پیروان خود داده است تا به محض تمکن آنان در روی زمین، به رؤیاهای خود جامه عمل بپوشانند. پیروان احمد بصری براین عقیده‌اند که احمد بن اسماعیل همان قائمی است که با شمشیر قیام خواهد کرد و به مدت هشت ماه شمشیر کشیده، مردم را قتل عام خواهد کرد،^۱ بدون اینکه ذره‌ای شفقت و رحمتی داشته باشد.^۲ علاوه براین، مال مخالفین خود را محترم ندانسته و تصاحب اموال آنان را جایز می‌داند؛ برای مثال به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. دریافت پول بیشتر از صاحب کار:

سؤال. من در شرکتی کار می‌کنم که صاحب شرکت مسلمان و از مخالفین دعوت شما است. هزینه جابه جایی و حمل و نقل من به عهده صاحب شرکت است. آیا برای من جایز است که بیش از مبلغی که برای حمل و نقل هزینه می‌کنم را از صاحب شرکت مطالبه کنم؟ مثلاً اگر ۵۰۰ درهم هزینه می‌کنم، بگویم ۱۰۰۰ درهم هزینه کرده‌ام؟

پاسخ احمد الحسن: اینان دشمنان ائمه و مهدیین هستند و مال آنان احترامی ندارد. تا میزانی که توانستی از مال او بردار و این کار برای تو جایز است.^۳

ابی طالب (علیه السلام) و بهذا الى جهنم وبأس الورد المورود.. وان رسول الله محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) بئىء من كل من ينتسب اليه ولم يدخل فى هذه الدعوة و يعلن البيعة..» (بیانیه ۱۳ جمادى الثانی ۱۴۲۵).

۱. این باور براساس استناد به روایتی از اهل سنت است که: «و یرج قبله رجل من أهل بيته بأهل الشرق و يحمل السيف على عاتقه ثمانية أشهر يقتل و يمثل و يتوجه إلى بيت المقدس، فلا يبلغه حتى يموت» (التشريف بالمنن فى التعريف بالفتن، ص ۱۳۹).

۲. الخباز، ضياء، المهدوية الخاتمة، ج ۱، ص ۲.

۳. بصری، احمد، الجواب المنير، ج ۴، سؤال ۳۴۶.

۲. استفاده از بسته اینترنت همسایه:

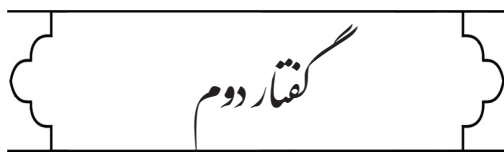
سؤال. آیا استفاده شخصی و بدون اجازه از اینترنت یکی از مراکز غیردولتی برای ما جایز است؟

پاسخ احمد الحسن: اگر صاحب مال (اینترنت) مخالف ائمه و مهدیین باشد، در این صورت مال او هیچ احترامی ندارد و می‌توانی از اینترنت او استفاده کنی.^۱

این نوع از تکفیر و تمامی بینش‌های تکفیری موجود در جهان اسلام، ریشه در نقل‌گرایی افراطی، کج‌فهمی روایات و دوری از عقل دارد. پرسشی که قرن‌های نخستین اسلام را به التهاب کشانده و منجر به تأسیس مکاتب مختلفی شده است، ناظر به حد و مرز عقل و نقل است. احمد بصری نیز با کنار گذاشتن عقل و با رویکردی افراطی به حدیث (البته با تدلیس، تقطیع و تأویل احادیث)، توان فهم روایات را از پیروان خود سلب کرده، فضا را به نوعی ترسیم می‌کند که حتی در صورت تعارض بدیهیات عقلی با روایات ضعیف و حتی مجعول، پیروانش بدیهیات عقلی را انکار می‌کنند. بنابراین، حدیث‌گرایی افراطی و دوری از عقل و تحریف روایات از ویژگی‌هایی است که با اندیشه این جریان گره خورده و موجب افتادن این فرقه در ورطه تکفیر شده است.^۲

۱. همان، ج ۲، سؤال ۱۳۷.

۲. برای تفصیل بیشتر رک: محمدی هوشیار، درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن البصری.



ادعای احمد بصری

مدعیان دروغین در صددند تا با ادعاهای واهی، احساسات دینی مردم را تحریک کرده، به امیال نفسانی خود دست یابند. احمد بصری به تبع از هیچ ادعایی فروگذار نشده و مدعی امر امامت و وصایت نیز شده است. وی از جمله کسانی است که تا کنون بیشترین ادعای مهدویت را به نام خود ثبت کرده است.

۱. جانشین و متولی امور بعد از امام مهدی علیه السلام است: «اول أوصیاء الإمام المهدی الاثنی عشر بعد وفاته».^۱

۲. فرزند امام مهدی علیه السلام است: «ابن الإمام المهدی علیه السلام».^۲

۳. سفیر حضرت مهدی علیه السلام است: «رسول الإمام المهدی محمد بن الحسن علیه السلام».^۳

۴. وزیر امام مهدی علیه السلام بعد از ظهور است: «وزیر الإمام المهدی علیه السلام بعد ظهوره».^۴

۵. اولین مؤمن به امام علیه السلام بعد از ظهور است: «أول المؤمنین بالإمام المهدی علیه السلام بعد ظهوره».^۵

۱. بصری، احمد، *الجواب المنیر*، ج ۱، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. همان.

۴. بصری، احمد، *بیان الحق والسداد من الأعداد*، ج ۱، ص ۴۶.

۵. همان.

۶. اولین مهدی از دوازده مهدی است: «أول المهديين الاثنى عشر»^۱.

۷. هیچ دلیل شرعی پیدا نمی‌شود که امامت را در دوازده تن منحصر کند، بلکه ادله شرعی متواتر، دلالت بر استمرار امامت بعد از امام مهدی علیه السلام در نسل دوازده‌گانه مهدیین دارد:

لا يوجد دليل شرعى يحصر الامامة فى اثنى عشر اماماً، بل الادلة الشرعية متواترة على استمرار الامامة بعد الامام المهدي عليه السلام فى ذريته المهديين الاثنى عشر.^۲

۸. امام واجب الاطاعت از سوى خداوند است:

امام مفترض الطاعة من الله.^۳

۹. قائم، همان مهدی اول است، نه امام مهدی علیه السلام:

القائم هو المهدي الاول وليس الامام المهدي عليه السلام.^۴

۱۰. دولت و حکومت را برای امام مهدی علیه السلام آماده خواهد کرد و پس از ایشان اولین حاکم خواهد بود:

تُمهد الرئيسى لها والحاكم الاول بعد قائدها الامام المهدي عليه السلام.^۵

۱۱. همانا یمانی زمینه‌ساز ظهور مقدس است و او یکی از ۳۱۳ نفر بوده و پرچم را به امام مهدی علیه السلام تحویل می‌دهد. اسم او احمد و کنیه اش عبدالله یعنی اسرائیل است:

۱. العقيلي، ناظم، الرد الاحسن فى الدفاع عن الاحمد الحسن، ص ۱۱.

۲. العقيلي، ناظم، الاربعون حديثاً فى المهديين وذرية القائم، ص ۷.

۳. بصرى، احمد، المشابهات، ج ۴، ص ۴۶.

۴. همان، ج ۴، ص ۴۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۶۰.

إن اليماني مّمهد في زمن الظهور المقدس و من الثلاث مائة و ثلاث
عشر و يسلم الراية للامام المهدي^۱. فاسمه احمد و كنيته عبدالله أى
الاسرائيل^۲.

۱۲. اسم يمانى احمد و از بصره است:

اليماني اسمه احمد و من البصرة^۳.

۱۳. معصوم است؛ نه به اين معنى كه خطا نكرده باشد، بلكه به اين معنا
است كه او مردم را از هدايت خارج نكرده و به گمراهى وارد نمى كند:
معصوم لا بمعنى أنه لا يخطئ، انما بمعنى انه لا يُخرج الناس من هدى
ولا يُدخلهم في ضلالة^۴.

۱۴. تحت تعليم مستقيم از امام مهدي ﷺ است:

دُرس السيد احمد الحسن على يد الامام المهدي ﷺ^۵.

۱۵. دعوتهم همانند دعوت نوح و ابراهيم و موسى و عيسى و پيامبر اکرم ﷺ
است:

فدعوتى كدعوة نوح و ابراهيم و كدعوة موسى و كدعوة عيسى و كدعوة
محمد ﷺ^۶.

۱۶. اراده ام همان اراده و خواست خداوند است:

۱. بيانيه (احمد الحسن اليماني الموعود)، تاريخ ۴/۲۱/۱۴۲۶ ق.

۲. بصرى، احمد، بيان الحق والسداد من الأعداد، ج ۱، ص ۴۶.

۳. بصرى، احمد، المتشابهات، ج ۴، ص ۴۶.

۴. همان.

۵. همان، ۴۴.

۶. بصرى، احمد، الجواب المنير، ج ۱، ص ۷.

إرادتی هی إرادة الله سبحانه و تعالی و مشیئته.^۱

۱۷. من راه مستقیم به سوی بهشت نعیم هستم:

أنا الصراط المستقیم إلى جنات النعیم.^۲

۱۸. کسی که از من رویگردانی کند هلاک و نابود می شود:

من تخلف عنی هلك و هوی.^۳

۱۹. او روشن ترین ستارگان، زره داوود، ستاره شش پرو ستاره صبح است:

انه سعد النجوم و درع داوود والنجمۃ السداسیة و نجمۃ الصبح.^۴

۲۰. کتاب خدا و قرآن ناطق است:

کتاب الله و القرآن الکریم الناطق.^۵

۲۱. رسول خدا به او وصیت و اسم وی، نسب و صفت وی را بیان کرده است:

ان رسول الله ﷺ وصی به و ذکر اسمه و نسبه و صفته.^۶

۲۲. ائمه علیهم السلام مرا با اسم، نسب، صفت و محل سکونتم بیان کرده اند:

ان الائمة علیهم السلام ذکرونی باسمی و نسبی و صفتی و سکنی.^۷

۲۳. اشعیا، ارمیا، دانیال و یوحنا مردم زمین را به آمدنم بشارت داده اند:

ان اشعیا و ارمیا و دانیال و یوحنا البربری بینوا امری لأهل الارض قبل

۱. همان، ص ۸.

۲. بیانیة برائت در تاریخ ۱۳/۶/۱۴۲۵ ق.

۳. همان.

۴. بصری، احمد، بیان الحق و السداد، ج ۱، ص ۳۸.

۵. همان، ص ۱۴.

۶. بصری، احمد، الجواب المنیر، ج ۱، ص ۱۸.

۷. همان، ص ۱۹.

سنین طویله.^۱

۲۴. خون امام حسین (علیه السلام) به خاطر خدا و پدرش و احمد اسماعیل ریخته شده است:

ان دماء الإمام الحسين (عليه السلام) سالت في كربلاء لله ولأجل أبيه (عليه السلام) ولأجل أحمد اسماعيل نفسه.^۲

۲۵. در آیات بسیاری با عنوان رسول به وی اشاره شده است:

أنه المشار اليه بالرسول في آيات كثيرة من القرآن، منها ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾؛^۳ ﴿أَتَى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ﴾؛^۴ ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيَّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لِنِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾؛^۵ ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾.^{۶، ۷}

۲۶. زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده است:

أَنَّهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، بَعْدَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا.^۸

۱. همان، ص ۲۰.

۲. همان.

۳. اسراء، ۱۵.

۴. دخان، ۱۳.

۵. جمعه، ۲.

۶. یونس، ۴۷.

۷. بصری، احمد، الجواب المنير، ج ۱، ص ۲۴.

۸. بیانیة احمد بصری (۲۱/۴/۱۴۲۶ق).

۲۷. باقیمانده آل محمد ﷺ هستیم:

انا بقية آل محمد.^۱

۲۸. رکن شدید است:

الركن الشديد.^۲

۲۹. تأیید شده جبرائیل است:

مؤید مجبرائیل.^۳

۳۰. استوار و محکم شده توسط میکائیل است:

مسدد بمیکائیل.^۴

۳۱. یاری شده اسرافیل است:

منصور یاسرافیل.^۵

۳۲. برامت پیامبری من واجب شده است:

يجب على الامة نصرتي.^۶

۳۳. کسی که به من ایمان نیاورد وارد جهنم می شود:

من لم يؤمن بي فهو في النار.^۷

۳۴. مؤید به روح القدس است:

۱. بصری، احمد، الجواب المنير، ج ۱، ص ۴۱.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. برائت صادر شده در تاریخ (۱۳/۶/۱۴۲۵ ق).

۷. همان.

مؤید بروح القدس^۱.

۳۵. نامش در انجیل بیان شده است:

مذكور فی الإنجیل^۲.

۳۶. نامش در تورات آمده است:

مذكور فی التوراة^۳.

۳۷. همانند عیسی عليه السلام است که جان خودش را فدا نمود:

شبيه عيسى بن مريم عليه السلام الذي فداه بنفسه^۴.

۳۸. برتر از عیسی بن مریم است:

أفضل من نبي الله عيسى بن مريم^۵.

۳۹. گوسفند به پا خاسته در خواب یوحنا است:

الحروف القائم في رؤيا يوحنا اللاهوتي^۶.

۴۰. عالم‌ترین مردم به تورات، انجیل و قرآن است:

اعلم الناس بالتوراة والإنجيل والقرآن^۷.

۴۱. امام مهدی عليه السلام او را برای اصلاح حوزه‌های علمیه ارسال کرده است:

۱. بصری، احمد، الجواب المنير، ج ۱، ص ۴۱.

۲. همان، ص ۲۵.

۳. همان.

۴. بصری، احمد، الجواب المنير، ج ۴-۶، ص ۴۶.

۵. همان.

۶. همان.

۷. بصری، احمد، المتشابهات، ج ۴، ص ۴۶.

أرسله الامام المهدي عليه السلام للإصلاح في الحوزة العلمية.^۱

۴۲. خبر عظیم است:

أنه النبأ العظيم.^۲

۴۳. سنگ نجات دهنده کشتی در دست علی علیه السلام است:

حجر في يمين علي بن أبي طالب ألقاه في يوم ليهدى به سفينة نوح.^۳

۴۴. خداوند به واسطه او ابراهیم را از آتش نجات نمود نجات داد:

ان الله نجى به نبيه ابراهيم عليه السلام من نار نمرود.^۴

۴۵. خداوند به واسطه او یونس را از شکم ماهی نجات داد:

ان الله خلص به نبيه يونس عليه السلام من بطن الحوت.^۵

۴۶. خداوند به واسطه او با موسی در طور سخن گفت:

ان الله كلم به موسى بن عمران عليه السلام على الطور.^۶

۴۷. او را همان عصای موسی قرار داد تا به دریا بزند:

جعل له عصا تفلق البحار.^۷

۴۸. او را زره داوود قرار داد:

۱. بصری، احمد، الجواب المنير، ج ۱، ص ۳۷.

۲. بصری، احمد، بيان الحق والسداد، ج ۱، ص ۴۵.

۳. بصری، احمد، الجواب المنير، ج ۱، ص ۱۶.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

جعله درعاً لداوود.^۱

۴۹. امیرمؤمنان (علیه السلام) در روز احد به واسطه او از خودش محافظت کرد است:

تدرع به امیرالمؤمنین (علیه السلام) يوم احد.^۲

۵۰. همانا او فرستاده مسیح و ایلیا و خضر است:

أنه رسول السيد المسيح (علیه السلام) و رسول إيليا و رسول الخضر.^۳

۵۱. او دابة الارضى است که در آخر الزمان سخن خواهد گفت:

دابة الارض التى تكلم الناس فى آخر الزمان.^۴

۵۲. مهر نبوت در پشت دارد:

بظهره خاتم النبوة.^۵

۵۳. حجر الاسود است:

أنه الحجر الاسود.^۶

۵۴. باغی از باغ‌های بهشت است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از آن خبر داده است:

روضة من رياض الجنة أخبر عنها رسول الله (صلی الله علیه و آله).^۷

۵۵. یارانش اولین کسانی هستند که وارد بهشت می‌شوند:

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۰.

۴. بیوگرافی احمد بصری (۱/۴/۴۲۶ق).

۵. بصری، احمد، الجواب المنير، ج ۴، ص ۵۹.

۶. همان، ص ۷۶.

۷. همان.

انصاره أول من يدخلون الجنة^۱.

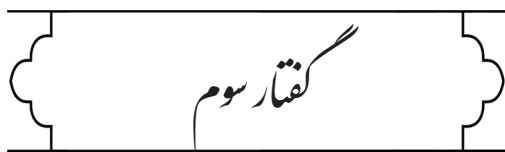
۵۶. روح القدس نازل نمی‌شد، مگر به همراه محمد ﷺ و پس از وفات ایشان به علی ﷺ منتقل شد و سپس به امامان بعد از ایشان و پس از آنان به مهدیین دوازده‌گانه نازل خواهد شد:

روح القدس الاعظم لم ينزل الا مع محمد ﷺ انتقل بعد وفاته الى علی ﷺ ثم الى الائمة ثم بعدهم الى المهديين الاثني عشر^۲.

ادعاهای مذکور، برخی از سخنان احمد بصری است که با بررسی هر کدام از آنها، کذب و واهی بودن ادله وی روشن می‌شود. نکته قابل توجه اینکه احمد بصری برای هیچکدام از ادعاهای خود ادله عقلی و نقلی معتبری ذکر نکرده و حتی برخی از این اوصاف، مختص رسول گرامی اسلام ﷺ، حضرت امیرالمؤمنین ﷺ، امام مهدی ﷺ یا حتی در خصوص جبرائیل ﷺ صادر شده‌اند. علاوه بر آن، او هر آنچه در انجیل تقدیس شده، از سنگ و چوب و باغ گرفته تا گوسفندان، را جلوه‌ای از خود دانسته است.

۱. براثت صادر شده در تاریخ (۱۳/۶/۱۴۲۵ق).

۲. بصری، احمد، الجواب المنیر، ج ۱، ص ۳۹.



بررسی جایگاه وصیت در نصب امام علی‌علیه السلام

یکی از معیارهای شناخت حجت الهی، وجود وصیتی از امام قبل به حجت الهی پس از خود است. در احادیث و گزارش‌های تاریخی، این معیار به دو گونه «وصیت مکتوبه و نازل شده از آسمان» و «وصیت آشکار» تقسیم شده که شیعیان از آن جهت حجت الهی را شناخته‌اند.

وصیت مکتوب

در منابع متعدد شیعه گزارش شده است که روزی جبرئیل نامه‌ای را مهر شده از جانب خدای متعال برای حضرت محمد ﷺ آورد که دوازده مهر داشت و مفاد آن اعلام وصایت حضرت علی علیه السلام و یازده فرزند ایشان بود. این احادیث تأکید دارد که تعداد این اوصیاء دوازده تن بوده و نام‌های آنان از حضرت علی تا حضرت مهدی مشخص شده است.^۱

وصیت آشکار

ائمہ علیهم السلام به دلیل تقیه از حاکمان جور، امرامامت را آشکارا به مردم بیان نمی‌کردند. این بزرگواران برای یارانی خاص و در خفا مسئله امامت و جانشین پس از خود را تبیین می‌کردند. آنان در اماکن عمومی فقط به وصایت به معنای

۱. برای تفصیل بیشتر رک: آیتی، راه و بیراهه؛ مجتهدی سیستانی، لوح و قلم؛ شهبازیان، معیارهای شناسایی مهدی موعود و تمایز آن از مدعیان دروغین؛ محمدی هوشیار، درسنامه نقد و بررسی جریان احمدالحسن البصری.

وکالت در امور پس از مرگ (مانند رسیدگی به خانواده، موقوفات، طلب یا بدهی و خاکسپاری) نام می‌بردند. البته عالمان دینی می‌دانستند که واسپاری امور پس از مرگ یکی از راه‌های شناخت حجت الهی است. در مواردی نیز که امام معصوم ناچار به معرفی چند وصی می‌شد (مانند وصیت امام صادق به پنج نفر پس از خود) بزرگان شیعه در نمی‌ماندند و با استناد به معیارهای دیگر حجت الهی را تشخیص می‌دادند.

احمد الحسن با تمسک به گزارشی در کتاب الغیبة نوشته شیخ طوسی، خود را مورد وصیت رسول خدا ﷺ دانسته و یکی از ائمه شیعه معرفی می‌کند. بر اساس ادعای او، این مکتوب از حضرت محمد ﷺ در شب رحلت ایشان بیان شده که در آن به جز ۱۲ امام، به ۱۲ مهدی نیز اشاره شده که اولین مهدی فرزند امام زمان ﷺ با عنوان احمد است.^۱

۱. منظور از حدیث یادشده، روایت زیر است: قال رسول الله ﷺ - في الليلة التي كانت فيها وفاته - لعليّ بن أبي الحسن أحضر صحيفة ودواة. فاملا رسول الله ﷺ وصيته حتى انتهی إلى هذا الموضع فقال: يا عليّ إنه سيكون بعدی اثنا عشر اماما ومن بعدهم اثنا عشر مهديا، فأنت يا عليّ أول الاثنی عشر اماما سماك الله تعالى في سمائه عليا المرتضى، وأمیر المؤمنین، والصدیق الاکبر، والفاروق الاعظم، والمأمون، والمهدي، فلا تصح هذه الاسماء لاحد غيرك. يا عليّ أنت وصيی علی أهل بيتی حيهيم وميتهم، وعلى نسائی: فمن ثبتها لقبتي غدا، ومن طلقها فأنا برئ منها، لم ترني ولم أرها في عرصة القيامة، وأنت خليفتي علی أمتی من بعدی. فإذا حضرتك الوفاة فسلمها إلى ابني الحسن البر الوصول، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني الحسين الشهيد الزکی المقتول، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه سيد العابدين ذی الثنات علي، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه محمد الباقر، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه جعفر الصادق، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه موسى الكاظم، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه علي الرضا، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه محمد الثقة التقی، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه علي الناصح، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه الحسن الفاضل، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه محمد المستحفظ من آل محمد ﷺ. فذلك اثنا عشر اماما، ثم يكون من بعده اثنا عشر مهديا، (فإذا حضرته الوفاة) فليسلمها إلى ابنه أول المقربين له ثلاثة أسامي: إسم كاسمي وإسم أبي وهو عبد الله وأحمد، والاسم الثالث: المهدي، هو أول المؤمنین [طوسی، الغیبة، حدیث ۱۱۱، ص ۳۰۰]

این گزارش بیانگر چند نکته اساسی است:

۱. حضرت محمد (ص) در شبی که رحلت فرمود، دستور کتابت متنی را به حضرت علی (ع) داده اند.^۲

۲. این مکتوب دلالت بر وجود دوازده مهدی بعد از دوازده امام دارد.

۱. نکته: براساس روایات، وفات پیامبر (ص) در نیمه روز دوشنبه اتفاق افتاده است و حال آنکه براساس حدیث موسوم به وصیت (قال رسول الله ﷺ - فی الليلة التي كانت فيها وفاته - لعلي (ع) -، وفات را در شب دانسته است. مراجعه شود به: قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ نَصْفَ النَّهَارِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۰۰ و فَلَمَّا مَتَعَ النَّهَارَ .. أَنَاءَهُ رَسُولُ أُمِّ أَيْمَنٍ يُخْبِرُهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص يَمُوتُ، .. فَتَوَفَّي رَسُولَ اللَّهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ حِينَ زَاغَتِ الشَّمْسُ. المسترشد فی إمامة علي بن أبي طالب عليه السلام، ص ۱۱۴ - ۱۱۵. مَتَعَ النَّهَارَ مُتَوَعًا وَ ذَلِكَ قَبْلَ الزَّوَالِ. کتاب العین، ج ۲، ص ۸۳ و «تَوَفَّي رَسُولُ اللَّهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ حِينَ زَاغَتِ الشَّمْسُ، وَ هُوَ يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ» المسترشد فی إمامة علي بن أبي طالب عليه السلام، ص ۱۱۵. زَاغَتِ الشَّمْسُ: أي مالت و زالت عن أعلى درجات ارتفاعها. مجمع البحرين، ج ۵، ص ۱۰ و «تَوَفَّي رَسُولُ اللَّهِ ص يَوْمَ تَوَفَّي» کتاب سلیم بن قیس الهلالي، ج ۲، ص ۸۶۲ ح ۴۸: «يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ» کتاب سلیم بن قیس الهلالي، ج ۲، ص ۷۹۴: قرب الإسناد (ط - الحديث)، ص ۲۹۹: «أَيُّ يَوْمٍ أَعْظَمُ شُؤْمًا مِنْ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ يَوْمَ فَقَدْنَا فِيهِ نَبِيَّنَا» المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۷، ح ۱۶: «يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ يَوْمَ نَحْسِ قَبِضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ نَبِيَّهُ» الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۱۴۶، ح ۵: «أَيُّ يَوْمٍ أَعْظَمُ شُؤْمًا مِنْ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ يَوْمَ فَقَدْنَا فِيهِ نَبِيَّنَا» الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص ۳۱۴، ح ۴۹۲: «قَائِي يَوْمٍ أَعْظَمُ شُؤْمًا مِنْ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ فَقَدْنَا فِيهِ نَبِيَّنَا (ص)» من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۲۴۰: «مَا مِنْ يَوْمٍ أَعْظَمُ شُؤْمًا مِنْ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ، يَوْمَ مَاتَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «قُبِضَ بِالْمَدِينَةِ مَشْمُومًا يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ» تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان) ج ۶، ص ۲: «قبض صلى الله عليه وآله وسلم يوم الاثنين» إلام الوری بأعلام الهدی (ط - الحديث)، ج ۱، ص ۵۳.

۲. براساس روایتی در کتاب سلیم بن قیس هلالی، ماجرای کتابت وصیت در روز دوشنبه، قبل از وفات پیامبر اتفاق افتاد، این در حالی است که حدیث موسوم به وصیت، زمان آن را در شب دانسته است. مراجعه شود به: عَنْ سُلَيْمٍ قَالَ إِنِّي كُنْتُ عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ فِي بَيْتِهِ وَ عِنْدَهُ زَهْرٌ مِنَ الشَّيْبَةِ [قَالَ] فَذَكَرُوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ مَوْتَهُ فَبَكَى ابْنُ عَبَّاسٍ وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ وَ حَوْلَهُ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ فَلَا تُؤْنِ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ إِثْنُونِي بِكِتَابٍ أَكْتُبُ لَكُمْ [فِيهِ] كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي وَ لَنْ تَخْتَلِفُوا [بَعْدِي] فَمَنْعَهُمْ فِرْعَوْنُ هَذِهِ الْأُمَّةَ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يَهْجُرُ فَعَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ قَالَ إِنِّي أَرَاكُمْ تُخَالِفُونِي وَ أَنَا حَيٌّ [فَكَيْفَ بَعْدَ مَوْتِي] فَتَرَكَ الْكِتَابَ.. کتاب سلیم بن قیس الهلالي، ج ۲، ص ۷۹۴.

۳. مهدیین صاحب حکومت و ریاست برامت اسلامی هستند وائمه آنان محسوب می‌شوند.

۴. نام اولین مهدی‌ها عبدالله، احمد و مهدی است.

نقد و بررسی

باید دانست که اعتقاد به آموزه‌های مرتبط با عقاید اساسی و مبنایی همانند امامت، نیازمند دلایل عقلی، استنادات قرآنی و روایت‌های قطعی است. از این رو نمی‌توان به صرف دیدن یک روایت ضعیف یا برداشت اشتباه از آیات الهی، آموزه‌هایی به عقاید اساسی شیعه امامیه افزود و مبنایی را تحریف کرد. عدم توجه به این مهم موجب می‌شود که فرق انحرافی و مدعیان مهدویت، از ساده‌لوحی برخی افراد به ظاهر متعبد سوءاستفاده کرده، در عقاید آنان انحراف پدید آورند. واقعه سقیفه، تأسیس خوارج و شکل‌گیری بهائیت ناشی از این نگرش ساده لوحانه در میان مسلمانان بوده است. احمد اسماعیل بصری نیز از جمله راهزنان عقیدتی است که انحرافات خود را با شگرد جعل، تقطیع و تحریف روایات القا می‌کند و سعی دارد تا با بهره‌گیری از اعتقاد جامعه شیعی به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، برای خود جایگاهی بسازد.

روایت موسوم به «وصیت رسول خدا در شب وفات» مصداق هیچ‌یک از وصیت‌های مکتوب و آشکار نیست و از گزارش‌های غیرمعتبری است که فهم نادرست از آن و عدم اطلاع از چرایی ذکر آن توسط شیخ طوسی (ره) منجر به شکل‌گیری عقیده‌ای باطل در میان برخی از افراد متدین شده و گمان می‌کنند که تعداد اوصیای پیغمبر خدا ۲۴ نفر بوده است!

مضمون این روایت طی قرون گذشته توسط عالمان شیعه همچون؛ شیخ

طوسی، نباطی بیاضی، حسن بن سلیمان حلی، علامه مجلسی و شیخ حرعاملی نقد و به ضعیف بودن و غیرمستند بودن آن اشاره شده است.^۱ در اینجا به صورت خلاصه برخی از اشکالات روایت ادعایی مطرح می‌شود:

ضعف سند

سند این روایت در پایین‌ترین درجه اعتبار است؛ چراکه در آن دو فرد مجهول الحال، یک راوی ضعیف و یک راوی که امکان تشخیص آن نیست، وجود دارد.^۲ افراد مجهول در این روایت حسن بن علی و پدرش هستند و عدم تشخیص در مورد علی بن الحسین است که نمی‌دانیم چه کسی است. طرفداران احمد بصری ادعا دارد این فرد همان پدر شیخ صدوق علی بن الحسین بن بابویه است که دلیلی برای این ادعا وجود ندارد و فقط یک احتمال است. جعفر بن احمد المصری نیز اگرچه احتمال دارد همان جعفر بن احمد بن علی بن بیان بن یزید بن سیابة الغافقی المصری باشد، اما دلیلی بر اعتبار و وثاقت این فرد در دست نیست. افزون بر آنچه در کتب نقد ذکر شده است، شواهدی وجود دارد که مراد از احمد بن محمد بن خلیل، همان احمد بن عبدالله الخلیلی الطبری الآملی است که نجاشی درباره او می‌گوید: «احمد بن محمد ابو عبدالله آملی طبری، بسیار ضعیف بوده و به نقل او اعتنایی نمی‌شود».^۳ ابن غضائری نیز او را دروغگو، جعل‌کننده حدیث و دارای عقیده فاسد دانسته است که به

۱. جهت تفصیل بحث رک. کتاب‌های فارسی: مجتهدی سیستانی، لوح و قلم؛ آیتی، راه و بیراهه؛ شهبازیان، معیارهای شناسایی مهدی موعود و تمایز آن از مدعیان دروغین و کتب عربی شیخ علی آل محسن، الرد القاصم؛ سید ضیاء الخباز، المهدویة الخاتمه؛ علی محمدی هوشیار، بحوث فی رد دعوة احمد الحسن البصری.

۲. شیخ علی آل محسن، الرد القاصم، ص ۲۸؛ سلمان، احمد، الشَّهْب الاحمدیة، ص ۲۱.

۳. نجاشی، فهرست، ص ۹۶؛ همچنین رک: شوشتری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۵۶۱ و ۶۱۵.

روایاتش توجهی نمی‌شود.^۱

تعارض با مبانی شیعه

محتوای این گزارش با مبانی و برخی روایات شیعه در تعارض است.

الف) انحصار عدد اوصیا، خلفا و امامان بعد از حضرت محمد ﷺ در دوازده نفر است.^۲

ب) اصل رجعت در دوران ظهور حضرت مهدی ﷺ است. بنا بر برخی از روایات نیز رجعت امام حسین ﷺ در دوران ظهور است و امامت ایشان بعد از حضرت مهدی ﷺ خواهد بود. در حالی که پایه استدلال احمد بصری بر آن است که رجعت در دوران حضرت مهدی ﷺ نیست و بعد از حکومت مهدیون خواهد بود.^۳

شیخ مفید به صراحت رجعت را در زمان حضرت مهدی ﷺ دانسته است: همانا خدای متعال گروهی از اموات را به دنیا باز می‌گرداند، به همان صورتی که در دنیا زندگی می‌کردند و تعدادی از آنها عزیز شده و تعدادی را خوار می‌کند... و این رجعت در زمان قیام و ظهور حضرت مهدی ﷺ خواهد بود.^۴

۱. ابن غضائری، رجال ابن غضائری، ص ۴۲.

۲. رک: آل بویه، آیتی، «بررسی روایات "جانشینی حضرت رسول صلی اله علیه وآله وسلم" و بازتیین انحصار آن در عدد دوازده»، مشرق موعود، ش ۳۷؛ شهبازیان، «بررسی قرائن روایی انحصار ائمه علیهم السلام در عدد دوازده»، پژوهش‌های مهدوی، ش ۲۱؛ مجتهد سیستانی، دوازده خورشید.

۳. جهت تفصیل رک. آیتی، از تبار دجال؛ شهبازیان، معیارهای شناسایی مهدی موعود و تمایز آن از مدعیان دروغین، ص ۲۵۳؛ حسینی، شهبازیان، «کاوشی در رجعت با تأکید بر انحرافات شیخیه، بهائیت و احمد اسماعیل بصری»، مشرق موعود، ش ۴۹.

۴. شیخ مفید، أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ص ۷۸.

همین دیدگاه را سید مرتضی^۱، شیخ طوسی^۲، امین الاسلام طبرسی^۳، نباطی بیاضی^۴، شیخ حرعاملی^۵ و علامه مجلسی^۶ نیز بیان کرده‌اند. اگر در جزئیات رجعت میان علمای شیعه اختلافی باشد، در این مطلب تردیدی نیست که رجعت در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود و هیچ دلیلی بر رخداد رجعت در دوران مهدی نیست و چهارم وجود ندارد.

استناد مدعیان دروغین دیگر به گزارش شیخ طوسی

احمد بصری معتقد است که هیچ حدیثی جز حدیث وصیت با قید «نگه دارنده از گمراهی» نامیده نشده و تا به حال کسی قبل از او به این روایت نقل شده از شیخ طوسی برای امامت و اثبات ادعای خود استناد نکرده است.

اولاً: آیات قرآن و حدیث ثقلین نیز متصف به قید «نگه دارنده از گمراهی» هستند و این قید مختص وصیت نیست.^۷

ثانیاً: هدف شیخ طوسی از آوردن این گزارش مقابله با فرقه‌هایی مانند واقفیه و زیدیه بوده است. او تلاش کرد با جمع کردن مجموعه‌ای از گزارش‌ها

۱. سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. شیخ طوسی، رسالة العقاید الجعفریه، ص ۲۵۰.

۳. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۶۷.

۴. نباطی بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۴.

۵. شیخ حرعاملی، الايقاظ، ص ۳۹۷.

۶. «هذه الأخبار مخالفة للمشهور»، علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۴۸.

۷. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا - كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَهْلُ بَيْتِي عِزَّتِي» و در آیه شریفه می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» (بقره: ۱۸۵). در نهج البلاغه نیز چنین می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُغْشَى وَالْهَادِي الَّذِي لَا يَضِلُّ» (خطبه ۱۷۶).

(بدون توجه به نقاط اختلافی یا درستی صدر و ذیل آنها) اثبات کند که نقطه اشتراک این احادیث نام بردن از دوازده وصی بعد از پیامبر خدا ﷺ بوده است. او قصد داشت از این رهگذر، ادعای فرقه‌های هفت امامی و فرقه‌هایی با بیش از دوازده امام مانند اسماعیلیه را نقد کند. شیخ طوسی در کتاب الغیبه به اجماع شیعه بر انحصار عدد امامان در دوازده تن تصریح کرده است. او در کتاب الغیبه می‌فرماید:

از جمله ادله‌ای که بر امامت صاحب الزمان ﷺ و صحت امکان غیبت ایشان دلالت می‌کند، روایاتی است که دو طایفه مختلف و متفاوت، هم از اهل سنت و هم از امامیه روایت کرده‌اند، مبنی بر اینکه ائمه ﷺ بعد از پیامبر ﷺ دوازده نفرند، نه یک نفر کم و نه یک نفر زیاد. وقتی که این دسته از روایات ثابت شد، هر کسی که قائل به این روایات باشد به امامت دوازده امام یقین پیدا می‌کند؛ چنان‌که ما به امامت آنها معتقد هستیم و همچنین یقین پیدا می‌کند به وجود امام زمان ﷺ و امکان غیبت ایشان.^۱

و صریح‌تر از آن در جای دیگر از کتاب خود می‌فرماید:

اما کسانی که گفته بودند حجت بن الحسن اولادی داشته و پس از ایشان فرزندشان به امامت رسیده است! قول بی‌اساس اینها هم باطل است؛ چراکه استدلال کردیم که ائمه ﷺ دوازده نفر هستند. بنابراین رد این قول از بدیهیات است.^۲

با توجه به این اشکالات متعدد و اساسی به گزارش شیخ طوسی، عالمان

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۲۷ و ۱۵۶.

۲. همان، ص ۲۲۸.

و محدثانی همچون؛ شیخ مفید،^۱ نباطی بیاضی،^۲ شیخ حر عاملی^۳ و علامه مجلسی^۴ محتوای این روایت را غیرمعتبر دانسته، آن را از گزارش های شاذ و غیرقابل قبول به شمار آورده اند.

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

۲. نباطی بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۵۲.

۳. شیخ حر عاملی، الايقاظ، ص ۴۰۱.

۴. «هذه الأخبار مخالفة للمشهور» (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۴۸).



تناقضات احمد بصری

یکی از بهترین اموری که می‌توان از آن برای اثبات کذب مدعیان دروغین امامت و مهدویت استفاده کرد، بحث تناقضات درونی است؛ زیرا کسی که مدعی عصمت و مقام امامت الهی و نبوت است، دچار تناقض‌گویی نمی‌شود. خداوند در قرآن یکی از دلایل حجیت قرآن را نداشتن تناقض می‌داند و می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾؛ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند.^۱

به همین دلیل یکی از بهترین راه‌های اثبات کذب ادعاهای احمد بصری، بحث تناقض‌گویی‌های فراوان وی است که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

احمد بصری و علم حجت خدا

احمد الحسن این را پذیرفته است که یکی از راه‌های شناخت حجت خدا علم است. علاوه بر آن، تصریح کرده که ورثه انبیاء و حجت‌های الهی نباید مثل سایر مردم پای درس استادی بنشینند، بلکه آنان علوم را از طریق خداوند به وسیله معصوم دریافت می‌کنند. احمد بصری در کتاب سرگردانی درباره علم اوصیاء چنین می‌گوید:

مردمان هر زمان اتفاق دارند که آنها کامل‌ترین و داناترین افراد زمانه خود بودند و هیچ کجا نقل نشده است که احدی از آنها علم را از کسی یا استادی فرا گرفته است، بلکه دانش آنها به صورت الهامی است از طرف خدا.^۱

در کتاب دیگر این جریان هم تصریح شده است که راه شناخت امام علم او است که به واسطه این علم امام بی‌نیاز از همه مردم است. اینکه آنها از دعوت و از علوم آن بهره می‌گیرند، آیا دلیلی بر این نیست که آنها به صاحب دعوت نیازمند و او از آنها بی‌نیاز است؟ آیا این یعنی علم از دلایل امامت نیست و اینکه امام به نیازمندی همگان به او و بی‌نیازی او از مردم شناخته می‌شود؟^۲

احمد بصری از سویی به چنین سخنانی تصریح کرده و از طرفی با وجود ادعای امامت، به تحصیل خود در دانشگاه و حوزه علمیه اعتراف کرده است. او در کتاب جواب‌های روشن‌کننده از راه امواج چنین می‌گوید:

در بصره عراق به دنیا آمد، فارغ التحصیل دانشکده مهندسی / مهندسی شهرسازی است. در حوزه علمیه نجف درس خوانده است.^۳

همچنین در جلد دیگر همین کتاب چنین اعتراف می‌کند:

نام احمد است در شهر بصره جنوب عراق زندگی می‌کردم، تحصیلات خود را در دانشگاه به پایان بردم و دارای مدرک لیسانس در رشته مهندسی عمران هستم، سپس به نجف نقل مکان کردم و در آنجا به

۱. بصری، احمد، کتاب سرگردانی، ص ۳۶.

۲. ناظم العقیلبی، من هم ورثة الانبیاء، ص ۲۲.

۳. بصری، احمد، جواب‌های روشن‌کننده از راه امواج، ج ۱، ص ۴۹.

قصد تحصیل علوم دینی ساکن شدم.^۱

اتباع احمد بصری در تناقض با سخن امامشان، اصل درس خواندن وی در حوزه را انکار کرده و در سایت رسمی شان چنین ادعا کرده اند:

چگونه احمد بصری در حوزه درس خوانده است و مدعی علم لدنی است؟ دشمنان می گویند: کاملاً مشخص و معلوم است که احمد الحسن وارد دانشگاه شده و در رشته مهندسی تحصیل کرده است و همچنین وارد حوزه شده تا تحصیل علم کند و حال آنکه فرض این است که احمد معصوم است و از جانب پدرش امام مهدی علیه السلام علم می آموزد؟

جواب: امام احمد الحسن به دستور پدرش امام مهدی علیه السلام برای اصلاح به حوزه علمیه رفت و او در حوزه درس نخوانده است.

احمد بصری و انحرافات حوزه علمیه

احمد بصری مدعی است که بعد از ورود به حوزه علمیه و با گذشت مدت زمانی متوجه انحرافات حوزه علمیه شده و به همین دلیل حوزه علمیه را ترک کرده است. بعد از گذشت مدت زمان تحصیل، راه و روش تعلیم در حوزه نجف را فهمیدم که تدریس بسیار در انحطاط و پائین است. (این اتفاق حداقل بر حسب رأی من است) و همان گونه در روش و منهاج خلل بزرگی یافتم، آنها لغت عربی و منطق و فلسفه و اصول فقه و علم کلام (عقاید) و فقه (احکام شرعی) را مورد مطالعه قرار داده، اما هیچ گاه قرآن و همچنین سنت شریفه (احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه) را نمی خوانند و

تدریس نمی دهند و همان طور اخلاق الهی که واجب است هر مؤمنی به آن آراسته باشد را نمی خوانند. لذا تصمیم به جدایی از آنجا را گرفتم و در خانه خودم علوم آنجا را بدون یاری کسی خواندم.^۱

احمد بصری در حالی چنین ادعایی کرده است که در کتاب دیگرش مدعی می شود؛ قبل از ورود به حوزه علمیه امام زمان وی را آموزش داده است و وی را از انحرافات حوزه علمیه آگاه کرده است و سالیان بعد احمد را به حوزه علمیه فرستاده است:

اولین ملاقاتم با امام مهدی علیه السلام در این زندگی دنیوی در حرم امامین عسکریین علیهما السلام بود و در این ملاقات با امام مهدی علیه السلام آشنا شدم. این ملاقات چند سال قبل بود و پس از این ملاقات، ملاقاتم با ایشان ادامه یافت و امور زیادی را برایم روشن ساخت؛ ولی مرا امر به تبلیغ آن نفرمودند، بلکه این امور مختص من بود تا مرا بسازد و به سوی اخلاق نیک و خداپسندانه سوق دهد، و به من علم و معرفت را در آن زمان ارزانی داشت. و مرا از انحرافات زیادی که در حوزه علمیه نجف وجود داشت آگاه ساخت اعم از انحرافات علمی یا عملی اجتماعی و یا اقتصادی و سیاسی، یا انحرافات اشخاصی که افراد متشخصی در حوزه علمیه به حساب می آمدند... روزها و ماه ها گذشت و خدا خواست که امام علیه السلام را ملاقات کنم و این بار مرا به حوزه علمیه نجف اشرف فرستاد تا آنچه را که مرا از آن با خبر کرده بود برای عده ای از طلاب حوزه علمیه مطرح کنم.^۲

۱. همان، ج ۲، ص ۹۱.

۲. بصری، احمد، داستان ملاقات (خطبه ملاقات)، ص ۲.

احمد بصری و حضرت یونس

احمد بصری در یکی از اعتقادات کفرآمیز و برخلاف نص صریح قرآن کریم مدعی می‌شود که حضرت یونس در شکم نهنگ مُرد و از آنجا هم به جهنم رفت: یونس در شکم ماهی مرد و روحش به ظلمات جهنم نگریست... ولی من حقیقت را آشکار می‌کنم که جسد او در بیابان، عریان و بی‌سرپناه افتاد و روحش در طبقات جهنم تا روز برانگیخته شدن، باقی ماند.^۱

وی در حالی مدعی شده است که حضرت یونس در شکم ماهی از دنیا رفت و داخل در جهنم شد و هم اکنون هم در جهنم است که در بحث ادعاها و فضیلت تراشی برای خویش مدعی شده بود که یونس را از شکم نهنگ نجات داده است! او در چند کتاب خویش چنین می‌نویسد:

پدرم امام مهدی علیه السلام مرا امر به گفتن این جملات کرده است: من سنگی در دستان امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی طالب بودم که روزی آن را جهت هدایت کشتی نوح انداخت و یک بار برای نجات حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش نمرود و باری دیگر برای نجات حضرت یونس علیه السلام از شکم نهنگ.^۲

من سنگی در دستان امیرالمؤمنین علی هستم که روزی آن را انداخت تا به وسیله آن کشتی نوح را هدایت کند و یک بار آن را برای نجات ابراهیم از آتش نمرود به کار گرفت و بار دیگر جهت نجات یونس از شکم نهنگ.^۳

۱. بصری، احمد، متشابهاً، ج ۴، ص ۱۰۴.

۲. بصری، احمد، نصیحتی به طلبه‌های حوزه‌های علمیه، ص ۳۴.

۳. بصری، احمد، جواب‌های روشن‌کننده از راه امواج، ج ۱، ص ۱۸.

احمد بصری و تعداد ائمه علیهم السلام

احمد بصری در کتب اولیه خویش به صراحت اعلام کرده است که ائمه در ۱۲ تن حصر شدند؛ از امیرالمؤمنین علیه السلام تا خاتمه دهنده آنان حضرت مهدی علیه السلام:
و تمام مسلمانان بر تعداد آنها که دوازده تن است اتفاق نظر دارند، همان گونه در حدیث نبوی صحیح و متواتر آمده است و می گوییم که اولین آنها حضرت علی علیه السلام است و خاتمشان امام زمان علیه السلام است و حدیث خلفاء تحقق نمی یابد که پس از من دوازده تن است مگر با آنها... تمام مسلمانان بر خاتم بودن امامت، امام زمان علیه السلام اتفاق نظر دارند و منکر آن همانند منکر رسول خدا و احادیثی که در این باره وارد شده، که تعداد آن به صدها می رسد، باشد.^۱

احمد بصری در حالی حصر امامت را بر دوازده تن بیان داشته است که در ادامه مسیر ادعاهای خویش، ادعای امامت می کند و در یک تناقض آشکار سخن خود را نقض کرده، چنین ادعا می کند:

یمانی اسمش از بصره... ملقب به مهدی است و امامی است از طرف خدا که لازم است تبعیت شود و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از او سرپیچی کند و هر که چنین کند از اهل آتش است.^۲

علاء سالم، یکی از مسئولین جریان احمد بصری، هم در این باره مدعی شده است که ائمه ۲۴ نفر هستند که احمد امام سیزدهم است:

قائم احمد... آن سیزدهمین از بیست چهار امام است. احمد همان شیخ و امام سیزدهم می باشد.^۳

۱. بصری، احمد، سرگردانی، ص ۳۶.

۲. بصری، احمد، متشابهاً، ج ۴، ص ۳۴.

۳. سالم، علاء، قبل از طوفان دوم احمد موعود، ص ۴۹.



مطاعن و اهانت‌های احمد بصری

به انبیاء و ائمه علیهم‌السلام

یکی دیگر از راه‌های اثبات بطلان مدعیان دروغین مهدویت و امامت، بیان انحرافات اعتقادی و عملکرد این مدعیان است. از آنجایی که مدعیان معصوم نیستند و اعمال و رفتاری دارند که با عصمت حجج الهی در تضاد است، معمولاً مقام حجت‌های الهی و عصمت آنان را زیر سؤال می‌برند تا بتوانند توجیهی برای اعمال خلاف شرع خویش درست کنند. احمد هم از این قاعده مستثنی نیست و برای توجیه بسیاری از جهالت‌ها و اشتباهات خویش مجبور شده است مقام حجت‌های الهی را زیر سؤال ببرد. برخی از این موارد عبارتند از:

پیامبر و ائمه علیهم‌السلام بی‌سواد بودند!

احمد بصری برای توجیه بی‌سوادی خویش و تحصیل در دانشگاه و حوزه که با علم لدنی حجت‌های الهی در تضاد است، مدعی شده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام بی‌سواد بودند و فقط مطالبی را می‌دانستند که از مردم عادی یاد گرفته‌اند. این موضوع بیان می‌کند که اشکالی ندارد که محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد و نخواند و ننویسد. و اشکالی ندارد که ایشان متون تورات و انجیل را نداند یا آن را حفظ نباشد. هر کس مدعی خلاف این شود، غلوکننده است... ایشان در این عالم، مانند بقیه مردم، مسائل زیادی را نمی‌داند و فقط مطلبی را می‌داند که تحصیل نموده است.^۱

۱. بصری، احمد، عقائد اسلام و از تو درباره روح می‌پرسند، ص ۱۹۳.

احمد در حالی چنین ادعایی را مطرح می‌کند که امام جواد علیه السلام در روایتی معنی کلمه «أُمّی» در قرآن را بیان کرده و تصریح می‌فرمایند که هر کس ادعا کند پیامبر صلی الله علیه و آله بی سواد بوده است لعنت خدا بر او باد. شیخ صدوق در معانی الأخبار و مرحوم صفار در بصائر آورده‌اند:

باب في أنّ رسول الله صلی الله علیه و آله كان يقرء ويكتب بكلّ لسان؛

عن جعفر بن محمد الصوفي قال: سألت أبا جعفر محمد بن علي الرضا عليه السلام فقلت: يا ابن رسول الله لم سمي النبي صلی الله علیه و آله الأمي؟ فقال: «ما يقول الناس؟» قلت: يزعمون أنه سمي الأمي لأنه لم يكتب. فقال عليه السلام: «كذبوا، عليهم لعنة الله، أني ذلك والله عز وجل يقول في محكم كتابه: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ فكيف كان يعلمهم ما لا يحسن والله لقد كان رسول الله صلی الله علیه و آله يقرء ويكتب باثنين وسبعين - أو قال، بثلاثة وسبعين - لسانا وإنما سمي الأمي لأنه كان من أهل مكة ومكة من أمهات القرى، وذلك قول الله عز وجل ﴿لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا﴾»^۱.

حضرت ابراهیم علیه السلام مشرک بود!

یکی از کسانی که احمد به ایشان تهمت شرک می‌زند حضرت ابراهیم است: سؤال ۷: چگونه برازنده یک پیامبر از پیامبران اولی العزم، یعنی ابراهیم، است که بگوید ستاره و ماه و خورشید پروردگار من است؟

۱. محمد بن الحسن بن فروخ (الصفار)، ترجمه بصائر الدرجات، ص ۲۷۳؛ شیخ صدوق، معانی الأخبار،

جواب: دچار توهم است هر که گمان کند که این سخن از حضرت ابراهیم در عالم شهادت حاصل شده یعنی در این دنیا. اگرچه ابراهیم این سخن را برای سرزنش قوم خود در این دنیا بازگو کرده است، قومی که این ستارگان را یا کسانی که تشویق به عبادت آنها می‌کنند را می‌پرستیدند. و حقیقت این است که انوار (نورهای) محمد و آل محمد حتی اصحاب عقل‌های کامل از پیامبران عالی‌قدر و فرشتگان ارجمند را دچار حیرت کرده است. به طوری که حتی گمان کردند که آنها فرمانروای دانای منزّه (خداوند یکتا) هستند.

پس ابراهیم زمانی که ملکوت آسمان‌ها برای او کشف شد و نور حضرت قائم را دید گفت این پروردگار من است و زمانی که نور حضرت امام علی را دید گفت این پروردگار من است و زمانی که نور حضرت محمد را دید گفت این پروردگار من است و حضرت ابراهیم نتوانست تمییز دهد که آنها مخلوق هستند تا زمانی که از حقیقت آنها برای او کشف شد و دید که آنها پایان دارند و غیبت آنها از ذات اقدس الهی و برگشت آنها به انا (منیت) را در لحظاتی دید، و در این هنگام است که فقط متوجه کسی شد که آسمان‌ها را آفریده است. و دانست که آنها آفریده خداوند هستند.^۱

از این سخن احمد چند مسئله ثابت است:

۱. وی مدعی می‌شود که حضرت ابراهیم ائمه را با خداوند اشتباه گرفته و مشرک شده بود.

۲. احمد مدعی شده است که اگر کسی فکر کند حضرت ابراهیم این سخن

را در این دنیا زده، دچار توهم شده است؛ اما در ادامه، خود اذعان می‌کند که حضرت ابراهیم این سخن را برای قوم خویش در همین عالم بیان کرده است، پس در واقع خود احمد دچار توهم بوده است. وقتی به قرآن رجوع می‌شود، می‌بینیم که خداوند هم به صراحت بیان می‌کند که حضرت ابراهیم این سخنان را به قوم خویش در همین عالم بیان داشته است.

امام حسین علیه السلام مشرک بود و منیت داشت!

یکی دیگر از اهانت‌های احمد بصری توهین به امام حسین علیه السلام است. وی درباره مقطعی از دعای عرفه امام حسین علیه السلام مدعی می‌شود که حضرت دچار شرک بوده‌اند.

سؤال ۲۷: معنی فرموده امام حسین علیه السلام در دعای عرفه که می‌فرماید: «الهی مرا از گمراهی ذلت نفس خویش خارج کن و مرا از شک و شرک خویش طهارت بخش» چیست؟

او با جسارت تمام این‌گونه پاسخ می‌دهد:

شرک نفسانی: مخفی‌ترین نوع شرک است و همان منیت می‌باشد که مخلوق را از آن گریزی نیست. این منیت او را با ظلمت و عدمی که بدون وجود آن فقط خدای سبحان و متعال می‌ماند و لا غیر در هم می‌آمیزد. و از همین رو به این معنا هر بنده‌ای از بندگان خدا مشرک می‌باشد. امام حسین علیه السلام این معنای شرک و نیز آنچه از شک به همراه دارد را قصد کرده است. امام حسین فتح المبین را درخواست می‌نماید و از بین رفتن شائبه عدم و ظلمت از صفحه وجودش را، عدمی که

۱. این مقطع از دعای عرفه بنا بر اقوال علما مانند علامه مجلسی و دیگر بزرگان جزء دعای عرفه حضرت نبوده و سندیتی ندارد و توسط صوفیه به دعای حضرت اضافه شده است.

بدون آن چیزی جز خدای واحد قهار باقی نمی‌ماند.^۱

امام زمان علیه‌السلام مشرک بود و منیت داشت!

احمد بصری در یکی از کتبش تصریح کرده است که حضرت مهدی علیه‌السلام تا زمان غیبت صغری دچار شرک و منیت بوده است. نکته درد آور این مطلب است که وی مدعی می‌شود در وجود خودش هیچ شرک و منیتی وجود ندارد: سؤال ۱۷۰: مقصود و مراد از این قسمت از دعای افتتاح که از امام مهدی وارد است که می‌فرماید: «بعد از بیمش به او ایمنی بده تا تورا عبادت کند و کسی را شریک تو نداند» چیست؟

جواب: یعنی برای او قائم آل محمد فتح مبین حاصل شود و منیت پایان پذیرد و فقط خدای واحد قهار باقی بماند. و در پایان غیبت صغری این حجاب برای امام مهدی برداشته می‌شود که هرگز بعد از آن هراسی به دل ایشان راه نمی‌یابد و هرگز شرکی از جنس غرور و منیت برای ایشان به خاطر این گشایش باقی نمی‌ماند.

اما در زمان ظهور کسی که نیازمند فتح حجاب است مهدی اول می‌باشد. او همان امنیت یافته بعد از خوف و هراس می‌باشد و نیازمند «عبادت تو بدون هیچ شرکی است»؛ یعنی وجودش از منیت و غرور پاک گردد و فتحی برای او حاصل گردد.^۲

۱. بصری، احمد، متشابهاً، ج ۲، ص ۳۰.

۲. بصری، احمد، متشابهاً، ج ۴، ص ۱۰۷.



چند سؤال بی پاسخ از احمد بصری

۱. آیا احمد بصری از نسل حضرت مهدی علیه السلام است یا به دروغ چنین ادعایی کرده است؟

احمد بصری نسب خود را چنین معرفی کرده است:
احمد فرزند اسماعیل فرزند صالح فرزند حسین فرزند سلمان فرزند محمد بن حسن عسکری (امام زمان) می باشد.^۱
پیروان احمد نیز همین مطلب را تأیید کرده اند. برای نمونه دیروای در این زمینه آورده است:

اسم شریف آقایمان، سید احمد پسر سید اسماعیل پسر سید صالح پسر سید حسین پسر سید سلمان پسر امام مهدی محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است و با شهادت هایی معتبر از مهم ترین افراد فامیل ایشان، تأیید گردیده است.^۲

احمد بصری در کتاب دیگرش از ایمان نیاوردن افراد به دروغ هایش عصبانی شده، چنین می نویسد:

از شما به خداوند شکایت نخواهم کرد، بلکه جدم رسول خدا از شما شکایت خواهم [خواهند] کرد؛ چون او مرا در وصیت خود ذکر کرده

۱. بصری، احمد، بشارتی برای تمام اهل زمین، ص ۲۰.

۲. عبدالرزاق دیروای، دعوت سید احمد الحسن همان حق آشکار است، ص ۸.

است و اسم و نسب و ویژگی‌هایم را ذکر کرده است. پدرانم ائمه از شما شکایت خواهند کرد؛ چون آنها مرا به اسم و نسب و خصوصیات و محل سکونت‌م ذکر کرده‌اند و خون امام حسین (علیه السلام) که در کربلا به خاطر پدرم و به خاطر من جاری شد، از شما شکایت خواهد کرد.^۱

با این وجود، آیا يك روايت ضعیف از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) نقل شده که در آن نسب احمد بصری تا حضرت مهدی (علیه السلام) را همانگونه که خود ادعاء کرده بیان شده باشد؟

۲. آیا نسب احمد بصری مقطوع و مجهول است؟

ناظم العقیلى، مسئول علمى جریان احمد بصرى در پاسخ به سؤالى در باره معرفى نسب احمد بصرى مى‌نویسد:

درخواست شما جهت اطلاع از شجره‌نامه سید احمد الحسن، هیچ نفعی برای شناخت حقانیت سید احمد الحسن ندارد؛ چون وی تقریباً از نسل پنجم مقطوع النسب است. دوم اینکه مسئله اثبات نسب و نسل امام مهدی (علیه السلام) جز از طریق خداوند و خود امام مهدی (علیه السلام) امکان‌پذیر نیست و آن به خاطر عدم داشتن معلومات کافی مردم و نیز مخفی بودن آنها از نظر مردم است.^۲

پیش از هر چیزی باید به این سئوالات پاسخ دهند که؛ مراد از اینکه احمد از نسل پنجم مقطوع النسب چیست؟ آیا مراد این است که نسل او از جد پنجم قطع شده و پدری و مادری نداشته و همانند حضرت آدم بدون پدر و مادر به

۱. بصری، احمد، جواب‌های روشن‌کننده از راه امواج، ج ۱، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۶۳.

دنیا آمده است؟

اگر مراد از نسل پنجم همان جد پنجم باشد که در پاسخ ناظم العقیلی آمده است: «لأنه مقطوع النسب من الجد الخامس»؛^۱ در نتیجه جد پنجم او، امام عسکری علیه السلام خواهد بود و این عین کفر است؛ چون ارتباط امام عسکری با امام مهدی علیه السلام قطع خواهد بود.

اگر از جد پنجم مقطوع النسب است، چگونه احمد بصری کاملاً نسب خود را تا امام مهدی علیه السلام بیان کرده است؟

اگر وی مقطوع النسب است و مردم نیز، معلومات کافی نسبت به نسب وی ندارند، چگونه و از کجا اقوام و عشیره اش شهادت به درستی نسب وی داده اند؟ آیا به احمد بصری در رابطه با نسبش وحی شده است؟

اگر «مسئله اثبات نسب و نسل امام مهدی علیه السلام جز از طریق خداوند و خود امام مهدی علیه السلام امکان پذیر نیست» آیا به احمد بصری وحی شده که وی فرزند حضرت مهدی علیه السلام است یا توسط حضرت مهدی علیه السلام توقیعی دریافت کرده است یا اینها بافته های فکری وی و القائنات شیطانی است؟

۳. آیا ملاقات احمد اسماعیل با حضرت مهدی علیه السلام واقعیت دارد یا افسانه ای بیش نیست؟

اگر احمد بصری مدعی است که در اثر ملاقاتی که با حضرت ولی عصر علیه السلام داشته این حقایق را بیان کرده است، آیا احمد برای ملاقات خود دلیلی هم ارائه کرده یا ادعایی بی دلیل است؟

اگر فرد دیگری نیز ادعای ملاقات کند و از آن حضرت علیه السلام، ضلالت و گمراهی احمد را نقل کند، احمد چه پاسخی دارد؟

حضرت ولی عصر علیه السلام در آخرین توقیع، نسبت به کسانی که ادعای ملاقات و نیابت می‌کنند فرموده است:

«وسیأتی شیعتی من یدعی المشاهدة، (ألا فمن ادعی المشاهدة) قبل خروج السفیانی والصیحة فهو كذاب مفتر»؛

برخی از شیعیان ادعای ملاقات می‌کنند، آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی (به عنوان نیابت) ادعای ملاقات نماید، کذاب بوده و افترا بسته است.^۱

همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند:

«لَا يَقُومُ الْقَائِمُ حَتَّى يَقُومَ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا كُلُّهُمْ يُجْمَعُ عَلَى قَوْلِ أَنَّهُمْ قَدْ رَأَوْهُ فَيُكَذِّبُهُمْ»؛

قائم قیام نمی‌کند تا اینکه دوازده نفر همگی ادعای رؤیت و ملاقات حضرت (به عنوان نیابت) را دارند در حالی که ایشان همه آنها را تکذیب می‌کند.^۲

با توجه به این احادیث، آیا دروغ‌گویی احمد بصری و تهمت به حضرت ولی عصر علیه السلام اثبات نمی‌شود؟

۴. آیا هر کس که شجره‌نامه داشته باشد، دروغ‌گو است؟

احمد بصری از طرفی مدعی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام اسم، نسب،

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۳۹۵.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۷.

ویژگی‌ها، خصوصیات و محل سکونتش را ذکر کرده‌اند. از طرف دیگر، حیدر زیادی، یکی از انصار مورد تأییدش، نوشته است:

اگر این موضوع را شخصی هاشمی، دارای نسبی معروف و شناخته شده و از فرزندان امام حسن علیه السلام یا امام حسین علیه السلام، ادعا نماید، پس وی دروغگو خواهد بود یا اگر این موضوع را هر کسی از عامه مردم، که نسبش معروف است، از هر قبیله‌ای که باشد، ادعا نماید، پس او نیز دروغگو است و این بدان دلیل است که نسل و فرزندان امام مهدی علیه السلام معروف و شناخته شده نیستند؛ پس به ناچار شخصی که ادعا می‌نماید بایستی به صورت کامل، نسبی مقطوع شده داشته باشد.^۱

آیا این دو سخن در تعارض نیستند؟

آیا در صورت درست بودن سخن حیدر زیادی، دروغگو بودن احمد اسماعیل ثابت نمی‌شود؟

عبدالرزاق دیراوی درباره نسب احمد نوشته است:

با شهادت‌هایی معتبر از مهم‌ترین افراد فامیل ایشان، تأیید گردیده است.^۲

از طرف دیگر، حیدر زیادی آورده است:

ذریه امام مهدی علیه السلام دارای اصل و نسب معروف نیستند.^۳

آیا با توجه به سخن شیخ حیدر، همه افرادی که از فامیل احمد بصری هستند و بر این مطلب شهادت داده‌اند، دروغگو نیستند؟

۱. زیادی، حیدر، یمانی موعود حجت الله، ص ۲۲۲.

۲. دیراوی، عبدالرزاق، دعوت احمد الحسن همان حق آشکار است، ص ۸.

۳. زیادی، حیدر، یمانی موعود حجت الله، ص ۲۲۲.

۵. آیا حضرت یونس پیامبر - نستجیر بالله - اهل جهنم است؟

احمد بصری در رابطه با حضرت یونس علیه السلام می نویسد:

پس از آنکه ماهی یونس را خورد، یونس روحش جدا شد و خدا روح او را به سوی جهنم فرستاد تا آن را ببیند؛ ولی من حقیقت را آشکار می کنم که جسد او در بیابان، عریان و بی سرپناه افتاد و روحش در طبقات جهنم تا روز برانگیخته شدن، باقی ماند.^۱

آیا این سخن باطل وی مخالف صریح قرآن نیست که می فرماید:

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَخَجَلْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ﴾؛

ما دعای او را به اجابت رساندیم و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم!^۲

﴿فَتَبَدَّلْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ﴾؛

ما یونس را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم، در حالی که بیمار بود!^۳

﴿وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ فَآمَنُوا﴾؛

و او را به سوی جمعیت یک صد هزار نفری - یا بیشتر - فرستادیم! آنها ایمان آوردند.^۴

۱. بصری، احمد، متشابهات، ج ۴، ص ۱۰۴.

۲. الانبیاء: ۸۷ - ۸۸.

۳. الصافات: ۱۴۵.

۴. همان: ۱۴۸.

۶. آیا رسول اکرم ﷺ خاتم پیامبران نیست؟

احمد بصری درباره ختم نبوت نوشته است:

اگر بگویند خاتمه نبوت با رسالت حضرت محمد ﷺ مطلقاً خاتمه یافته، مخالف روایات استمرار نبوت بعد از رسول اکرم ﷺ یا حتی جزئی از آن شده.^۱

در جای دیگری نیز می نویسد:

نماز پیامبر خدا، حضرت عیسی، در پشت امام مهدی دو احتمال است: یا اینکه امام مهدی برتر از عیسی باشد، طبیعتاً امام مهدی وقتی می تواند برتر باشد که مقام نبوت داشته باشد. ... من به این مورد اول معتقدم.^۲

آیا انکار ختم نبوت انکار صریح قرآن و روایات اهل بیت نیست؟ قرآن می فرماید:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾؛

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست و لکن پیامبر خدا و خاتم پیامبران است.^۳

کلینی از ایوب بن الحراز امام صادق (ع) نقل می کند:

إن الله عز ذكره ختم بنبيكم النبيين فلا نبى بعده أبداً، وختم بكتابكم الكتب فلا كتاب بعده أبداً؛

۱. بصری، احمد، نبوت خاتمه، ص ۸.

۲. بصری، احمد، جواب های روشن کننده از راه امواج، ج ۱، ص ۸.

۳. الأحزاب: ۴۰.

خداوند با پیغمبر شما به بعثت پیامبران خاتمه داد، پس از او هرگز پیامبری نخواهد آمد و با کتاب شما (قرآن) کتب آسمانی را پایان داد، پس بعد از آن هرگز کتابی ارسال نخواهد شد.^۱

عبدالعظیم حسنی از امام هادی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«وإن محمداً صلی الله علیه و آله عبده ورسوله خاتم النبیین فلا نبی بعده إلى يوم القيامة، وإن شریعته خاتمة الشرائع فلا شریعة بعدها إلى يوم القيامة»؛ و بحق، محمد بنده و رسول خدا و خاتم پیامبران است و پس از او تا روز قیامت پیامبری نخواهد بود و شریعت او ختم کننده تمام شریعت‌ها است و پس از آن تا روز قیامت شریعتی نخواهد بود.^۲

۷. احمد بصری چگونه برای ائمه علیهم السلام و برای خودش ادعای نبوت و رسالت می‌کند؟

احمد اسماعیل بصری می‌نویسد:

وما تقدم تبين أن للأئمة والمهديين مقام النبوة وهم رسل؛
از سخنان گذشته ما روشن شد که ائمه و مهدیین مقام نبوت دارند و آنان رسول و پیامبر هستند که اولین مهدیین، خود احمد بصری است.^۳

وی در جای دیگری نیز نوشته است:

ائمه مهدیون دوازده‌گانه از فرزندان امام مهدی علیه السلام هستند که اولین آنان

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۸۰.

۳. بصری، احمد، النبوة الخاتمة، ص ۳۴.

دو مقام رسالت و ولایت را با هم دارد.^۱

آیا نسبت دادن نبوت و رسالت به ائمه علیهم السلام کفر نیست؟ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«من قال انا انبياء فعليه لعنة الله، ومن شك في ذلك فعليه لعنة الله»؛
هرکس بگوید ما پیامبریم، لعنت خدا بر او باد و هرکس در این مسئله
تردید نماید، لعنت خدا بر او باد.^۲

و در روایت دیگری، سدید صیرفی به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند:

عندنا قوم يزعمون أنكم رسل؛
افرادی نزد ما هستند که عقیده دارند شما پیغمبرید!

آن حضرت علیه السلام در پاسخ می‌فرماید:

«يا سدير سمعي وبصري وشعري وبشري ولحمي ودمي من هؤلاء براء
وبرئ الله منهم ورسوله، ما هؤلاء على ديني ولا على دين آبائي»؛
ای سدید! گوش، چشم، مو، پوست، گوشت و خونم از اینها بیزار است
و خدا و رسولش از اینان بیزار باشند. اینها بر دین من و دین پدرانم
نیستند.^۳

۱. بصری، احمد، متشابهات، ج ۴، ص ۱۳۵.

۲. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۱۵.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۷۰.

معرفی کتاب‌های نقد جریان احمد بصری

۱. ره افسانه، محمد شهبازیان
۲. وصیت در امامت، محمد شهبازیان
۳. از تبار دجال، نصرت الله آیتی
۴. راهنمای کور، نصرت الله آیتی
۵. خواب‌نما، سید مهدی سیستانی
۶. لوح و قلم، سید مهدی سیستانی
۷. رسول ابلیس، مهدی سلمانپور
۸. المهدویة الخاتمة، سید ضیاء خباز
۹. أهدی الرايات، شیخ علی آل محسن
۱۰. درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن البصری، علی محمدی هوشیار
۱۱. پیشوای اینترنتی، علی محمدی هوشیار

معرفی سایت‌ها و کانال‌های تلگرامی نقد جریان

Borouj.ir

سایت بروج:

Almongez.org

سایت المنقذ:

@antimortad

کانال تلگرامی الاثنی عشریة:

@almoddaie

کانال تلگرامی المدعی:

@payehayepooshaly

کانال تلگرامی پایه‌های پوشالی:

